ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
پنج شنبه • ۷ آذر ۱۳۹۸
اول ربیع الثانی ۱۴۴۱ • ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۲۵۳
۱۴۷۴

رموز موفقیت آقای خاص!

زبان بدن «مورینیو» لو می‌دهد که چطور به اولین سرمربی تاریخ لیگ‌قهرمانان اروپا تبدیل شد و توانست با ۶ تیم مختلف از مرحله گروهی به حذفی صعود کند و یک کامبک رویایی را هم رقم بزند

پرونده

ماجرا از این‌جا شروع شد که تاتنهام برای صعود به مرحله حذفی لیگ‌قهرمانان نیاز به حداقل یک مساوی داشت تا قبل از شروع هفته پایانی، صعودش را قطعی کند. آن‌ها می‌دانستند که در هفته پایانی، بردن تقریبا برای‌شان نشدنی است و کسب پیروزی در برابر بایرن آن‌هم در آلمان، وقتی تاتنهامی‌ها بازی رفت را با نتیجه باور نکردنی ۷ بر ۲ در انگلیس واگذار کردند، نیاز به معجزه خواهد داشت! با توجه به این نکات، بازی تاتنهام در برابر المپیاکوس یونان شروع شد و هنوز ۱۹ دقیقه از بازی نگذشته بود که بازیکنان تیم یونانی، موفق به زدن ۲ گل در برابر چشمان حیرت‌زده تماشاگران تاتنهام شدند. تماشاگران انگلیسی به خوبی می‌دانستند که «مورینیو» با این همه سابقه، حتی یک بار هم در تمام دوران مربیگری‌اش در لیگ قهرمانان اروپا موفق نشده در بازی که تیم‌اش ۲ گل عقب افتاده، کامبک بزند و این نگرانی‌شان را بیشتر می‌کرد ولی آن‌ها موفق شدند در پایان با نتیجه ۴ بر ۲ به یک پیروزی دلچسب دست یابند اما این همه ماجرا نبود. در اوایل نیمه دوم با توپ رساندن سریع توپ جمع‌کن به بازیکنان تاتنهام، این تیم موفق به طرح‌ریزی حمله خود شد و به گل تساوی دست یافت و ژوزه همان موقع به سمت توپ جمع‌کن رفت و او را بوسید. بعد از بازی هم درباره این رفتارش به نکته جالبی اشاره کرد: «من بین ۱۰ تا ۱۶ سالگی خودم بهترین توپ جمع‌کن بودم و او امروز بازی خوانی کرد. من می‌خواستم او را به اتاق رختکن دعوت کنم تا با بازیکنان جشن بگیرد اما به یکباره ناپدید شد.» این برد شیرین و کامبک تاریخی، باعث شد تا «ژوزه مورینیو» به اولین سرمربی تاریخ لیگ‌قهرمانان اروپا تبدیل شود که با شش تیم مختلف از مرحله گروهی به مرحله حذفی صعود می‌کند. این اتفاق بهانه‌ای شد تا به سراغ مرد خاص دنیای مربیگری برویم که حضورش را در دنیای حرفه‌ای فوتبال با مترجمی در کنار یک مربی کار کشته شروع کرد، بعدش روی نیمکت رئال، اینتر، منچستر، چلسی و... نشست، آمارهای شگفت‌انگیزی از خودش به جا گذاشت و اکنون با کسب ۲۵ عنوان قهرمانی، جزو پرافتخارترین مربیان تاریخ فوتبال به حساب می‌آید. در ادامه با ویژگی‌های جالب شخصیتی و زبان بدن «مورینیو» که جزو رموز موفقیت اوست، آشنا خواهید شد.

کالبدشکافی زبان بدن یک برنده!

یک پروفسور در حوزه روان‌شناسی، رازهای زبان بدن مورینیو را بررسی کرده و گفته که چرا «آقای خاص» و «موفقیت» با هم دوست صمیمی هستند!

داستان زندگی مورینیو پر است از قهرمانی، تراژدی و البته درگیری، از شروع شدن کارش به عنوان مترجم «سر بابی رابسون» فقید تا تبدیل شدن به گران قیمت‌ترین مربی جهان و یک مربی صاحب سبک؛ اما راز موفقیت این مربی چیست؟ چرا حضور مورینیو در هر تیمی سوای موفقیت‌ها و شکست‌هایش می‌تواند تا این اندازه هیجان‌انگیز و خبرساز باشد؟ با تحلیل روان شناسی حرکات او شاید بتوان به خاص بودن‌اش پی برد. پروفسور «جیوف بیتی» از دانشگاه اج‌هیل انگلیس، رازهای زبان بدن خوزه مورینیو را بررسی کرده و گفته که چرا مرد مشهور لیگ جزیره به آقای خاص بودن شهرت دارد و از آن مهم‌تر این که چرا آقای خاص و موفقیت، با هم دوست صمیمی هستند!

خشمی درونی که فقط با موفق شدن آرام می‌شود!

مورینیو، مردی همیشه عصبانی است. البته او سعی دارد این خشم و عصبانیت را پنهان کند و نشان بدهد که یک جورهایی روی عصبانیت‌اش کنترل دارد اما داستان این است که زبان بدن آقای خاص، راز درون او را خوب آشکار می‌کند. خیرگی چشم‌ها و طرز فشردن لب‌ها به هم نشان می‌دهد که او همیشه با خشم و عصبانیتی درونی دست‌وپنجه نرم می‌کند و فقط پیروزی در فوتبال یا کسب موفقیت است که کمی آرامش به او می‌دهد!

از حقیقت فراری است!

قرار دادن دست روی چشم‌ها یا حرکت دست‌ها به سمت آن‌ها همیشه یک معنی داشته، این که فرد نمی‌خواهد در آن لحظه حقیقتی را که جلوی چشم‌اش قرار می‌گیرد، ببیند. کشیدن دست روی پیشانی هم روشی برای آرام کردن احساسات درونی است. راهی که هر کسی به خصوص آقای خاص در شرایط بحرانی برای آرام کردن خودش ممکن است انجام دهد. مورینیو با این حرکت خیلی اوقات دنبال یک جور سپر بلاست، درست برخلاف آن چه که می‌خواهد همیشه خودش را آدم خونسردی نشان بدهد!

از عمد خودش را تنها نشان می‌دهد

آیا تا به حال فکر کرده‌اید چرا مورینیو زمان‌هایی تنها روی نیمکت می‌نشیند؟ خیلی اوقات شایعه می‌شود که بازیکنان تیم از او پیروی نمی‌کنند و زیاد با مورینیو سر سازگاری ندارند. درست در این مواقع است که آقای خاص چنین تصاویری از خودش خلق می‌کند. مورینیو خودش را در موقعیت‌های تنها و بی‌پشتیبان از روی عمد قرار می‌دهد تا نشان دهد با وجود همه شایعه‌ها او هنوز اعتماد به نفس خودش را دارد و هیچ کسی نمی‌تواند او را از جایش تکان بدهد. او هوشمندانه تنها می‌نشیند تا این پیغام را بدهد: «فکر می‌کنید من واقعاً از تنهایی کلافه هستم؟ هرگز!»

ترس دارد و عاشق هیجان است

خیلی کم پیش می‌آید که مورینیو توی چشم‌های مصاحبه کننده خیره شود و حرف بزند. نگاه او بیشتر مسیر خاصی ندارد. انگار یک جور کلافگی در وجودش هست. البته این نگاه سرگردان را می‌توان به ترس هم تعبیر کرد. ترکیبی از ترس و هیجان که او سعی در پنهان کردن هر دو دارد اما به این هیجان، علاقه‌مند است! دست کشیدن روی چانه هم روشی برای آرامش دادن به خود است. این یک اصل روان شناسی است. آدم‌ها با حس لامسه به دوران کودکی خود برمی‌گردند و آرامشی را که از لمس دست‌های مادر می‌گرفتند، شبیه‌سازی می‌کنند. برای همین است که موقع عصبانیت افراد روی سر و صورت خودشان دست می‌کشند. مورینیو این کار را زیاد انجام می‌دهد. به خصوص که گاهی تمام صورتش را با دست‌ها نوازش می‌کند. یعنی او در آن لحظه فقط دنبال آرام شدن است!

ادای مسخره کردن در می‌آورد!

مورینیو خیلی اوقات دست‌های خودش را توی سینه گره می‌کند و کمی هم چین به صورت و چهره‌اش می‌دهد. رفتاری که نشان دهنده تلاش او برای به دست گرفتن شرایطی است که در آن گرفتار شده. او در این حالت در جنگ با خودش است، چالشی برای حفظ کنترل! همه فکر می‌کنند آقای خاص با چرخاندن زبان توی دهانش و عقب کشیدن زبان به سمت کناره صورت قصد توهین یا مسخره کردن دیگران را دارد. در حالی که این کار هم روشی برای حفظ کنترل است. یک حرکت تهاجمی برای نشان دادن این که شرایط آن قدر هم بد نیست. او این کار را ناخواسته می‌کند اما دوربین‌ها آن را به عمد نشان می‌دهند!

آن قدرها هم بی‌ادب نیست!

دست بردن به دماغ. رفتاری که خیلی‌ها آن را در کنفرانس‌های خبری بی‌ادبانه تلقی می‌کنند، در حالی که مورینیو این عمل را ناخواسته و فقط برای رسیدن به آرامش درونی انجام می‌دهد. هیچ عمدی در کار آقای خاص به نظر نمی‌رسد!

با اطوار به تیم روحیه می‌دهد!

مورینیو اهل ادا و اطوار است. چشم‌هایش را ریز می‌کند، چانه‌اش را جمع. افراد معمولاً با ادا‌هایی این طوری می‌خواهند راه هر ارتباطی را بگیرند و نگذارند دیگران به احساسات درونی‌شان پی ببرند. مورینیو این قطع ارتباط را با خنده هم قاطی می‌کند اما این لبخند بدتر کار دستش می‌دهد. این خنده مصنوعی نشان می‌دهد که او دارد به هر قیمتی عصبانیت پشت چهره‌اش را پنهان می‌کند. آقای خاص متأسفانه در این یک مورد بازیگر خوبی نیست!

چرا هم عاشق مورینیو هستیم و هم متنفر؟

او شخصیتی است که همواره قضاوت درباره حرف‌هایش را به عهده مخاطب گذاشته و از این طریق می‌تواند با به وجود آوردن تضاد احساسی در بین مخاطبان خود، آن‌ها را بازیچه دست خودش قرار دهد. او در نشست خبری پیش از دیدار تیمش مقابل موناکو در فینال لیگ قهرمانان اروپای ۲۰۰۳ به خبرنگاران گفت: «در دیدار امشب، نخست من و سپس تقدیر، سرنوشت بازی را رقم می‌زند.» این دقیقا از همان دسته حرف‌هایی است که انتظار شنیدن آن را تنها از آقای خاص داریم. او از این طریق احساس دوگانگی حتی در میان دوستداران خود به وجود می‌آورد؛ نوعی دوگانگی احساسی که موجب می‌شود عاشق مورینیو و در عین حال از او متنفر باشیم.

از نیروهایت دفاع کن!

از دیگر اصول کاری و در واقع ابعاد شخصیت مربیگری مورینیو که شاید به درد مدیران شرکت‌های مختلف هم بخورد، حمایت از خود و بازیکنانش است. او مربی هر تیمی که باشد حتی اگر شاگردانش دچار خطا شوند همواره خودش بار فشارها و حتی انتقادها را بر دوش می‌کشد اما ترجیح می‌دهد بازیکنانش در حاشیه امنیت کامل به سر ببرند. مورینیو در دوران حضورش روی نیمکت هدایت چلسی با وجود این که تمارض‌های دیدیه دروگبا، مهاجم تیمش بر همگان آشکار شده بود، همواره به حمایت از این بازیکن ساحل عاجی می‌پرداخت. مورینیو در این باره می‌گوید: «باید آن قدر قوی باشید که بدون هیچ ترسی زندگی کنید. باید از جای خود بلند شوید و از تیم و بازیکنان خود محافظت کنید. بازیکنان همواره باید از حاشیه امنیت کاملی بهره‌مند باشند زیرا آن‌ها ضامن موفق شدن من هستند».

مهم‌ترین مسئولیتم در زندگی، «یک پدر خوب بودن» است!

نکاتی جالب از زندگی شخصی و مسیر موفقیت مربی همیشه مغرور دنیا که از مدرسه فرار کرده، عاشق خانواده‌اش است و...

برای ستایش ژوزه شاید جمله اعتراف‌آمیز «روی کین» کافی به نظر برسد: «من او را دوست ندارم اما به رزومه‌اش نگاه کنید. او یک برنده است و تیم‌های بزرگ دقیقا به یک برنده نیاز دارند.» در این بین، دو نگاه به آقای همیشه خاص دنیای فوتبال وجود دارد: یا دوستش دارند و تحسینش می‌کنند، یا دوستش ندارند و باز تحسینش می‌کنند! در این قسمت از پرونده به نکاتی جالب از زندگی او اشاره می‌کنیم.

پسری که شغل پدر را ادامه داد

ژوزه ماریو دوس سانتوس مورینیو فلیکس، ۵۳ سال قبل در حومه لیسبون متولد شد. مادر او ماریا معلم بود و پدرش فلیکس بازیکن فوتبال و همین موضوع از کودکی، پیوندی بین ژوزه و فوتبال برقرار کرد. پدر او برای باشگاه ویتوریا ستوبال توپ می‌زد و یک بار نیز به تیم ملی پرتغال دعوت شد. رابطه این دو نفر در روزهای مربیگری پدر نزدیک‌تر شد. ژوزه اصرار داشت همه جلسه‌های تمرینی و آنالیز فنی تیم پدرش را از نزدیک تماشا کند تا با بهتر و آگاهانه‌تر در مستطیل سبز بازی کند و به همین خاطر خیلی زود با مفاهیم اولیه مربیگری فوتبال آشنا شد اما هدفش این بود که در قدم اول بازیکن بزرگی شود نه مربی.

ناامید نشدن از بازیکن بزرگ نشدن!

او به عنوان یک مدافع به باشگاه ریو آوه ویلا نسه رفت و در پست دفاع بازی کرد اما قدرت فیزیکی و سرعت او، هرگز برای فوتبالیست شدن کافی نبود. او طعم تحقیر شدن را در فوتبال چشید و از بازی در مستطیل سبز فاصله گرفت. آرزوهای مورینیو اما از این محدوده دور نشدند. شاید مهم‌ترین نکته درباره «ژوزه» این باشد که هیچ وقت به آرزویش که یک بازیکن خوب شدن بود، نرسید اما ناامید نشد و جنگید تا ستاره نیمکت‌های مربیگری شد.

فرار از مدرسه و درس اقتصاد!

مادر ژوزه او را در مدرسه اقتصاد ثبت‌نام کرد اما در پایان روز اول، مورینیو به خودش قول داد دیگر هرگز در درس این رشته حاضر نشود و این موضوع را با مادرش در میان گذاشت. سپس تصمیم گرفت تا در رشته تربیت‌بدنی تحصیل کند. ژوزه در اوایل جوانی دوره‌های مربیگری فوتبال را نیز پشت سر گذاشت. تئوری مهم او در این سن و سال، تلفیق تاکتیک‌های فوتبال با انگیزه‌های روان‌شناسانه در بازیکنان بود.

جدی گرفتن یک پیشنهاد کاری

دهه ۹۰ میلادی، او در پست استعدادیاب در چند باشگاه فعالیت کرد اما زندگی ورزشی‌اش با یک پیشنهاد کاری متحول شد. لیسبون بعد از جذب سر بابی رابسون، به مترجمی نیاز داشت که علاوه بر زبان انگلیسی، با تاکتیک‌های فوتبال نیز آشنا باشد. این پست به ژوزه رسید و او رابطه دوستانه خوبی با رابسون برقرار کرد. آن‌ها در کنار هم به پورتو و بارسلونا رفتند و موفقیت‌های درخشانی به دست آوردند. بنفیکا اولین تیمی بود که نیمکتش را به عنوان سرمربی به ژوزه سپرد اما روی نیمکت پورتو بود که اهالی فوتبال جهان، این سرمربی موفق و جنجالی را شناختند. او ۲۰۰۴ در حضور تیم‌های بزرگ، با پورتو قهرمان اروپا شد و شگفتی بزرگ فصل را رقم زد تا با قراردادی سنگین، اولین مربی دوران آبراموویچ در چلسی لقب بگیرد.

خانواده‌ام نقطه مرکزی زندگی‌ام هستند

«ژوزه» در نوجوانی با «نامی فاریا» آشنا شد و سال ۱۹۸۹ با او ازدواج کرد. مورینیو همیشه خانواده‌اش را در نقطه مرکزی زندگی‌اش می‌داند. در کنار عشق همیشگی به فوتبال و مربیگری، ژوزه یک مرد خانواده است. در یکی از کنفرانس‌های خبری، از این مربی درباره مهم‌ترین مسئولیت زندگی‌اش سوال کردند و او پاسخ جالبی برای این سوال داشت: «یک پدر خوب بودن.»

من خاص هستم نه مغرور!

«لطفا من را مغرور صدا نزنید اما من لیگ قهرمانان را برده‌ام و فکر می‌کنم آقای خاص هستم.» بعد از قهرمانی با پورتو در اروپا، ژوزه این لقب را برای خودش در نظر گرفت و تبدیل به آقای خاص فوتبال جهان شد. یک نکته جالب دیگر درباره او هم این که فقط دو ماه بعد از سفر به ایتالیا برای هدایت اینتر، دیگر به مترجم نیاز نداشت و به زبان ایتالیایی با بازیکن‌هایش صحبت می‌کرد. دومین استعداد پررنگ او در کنار فوتبال، یادگیری زبان است. او به زبان‌های پرتغالی، اسپانیایی، انگلیسی و فرانسوی تسلط کامل دارد.

بی‌علاقگی به شبکه‌های اجتماعی

مورینیو هیچ‌وقت علاقه زیادی به فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نداشته اما یکی از بندهای قرارداد او با یونایتد، فعالیت در حداقل یک شبکه اجتماعی بوده است. بلافاصله بعد از امضای این قرارداد، صفحه اینستاگرام ژوزه راه‌اندازی شد و تنها در دو ساعت، صد هزار نفر این صفحه را تعقیب کردند. این صفحه تا زمان حضورش در بین منچستری‌ها حدود ۸۰۰ هزار فالوئر جذب کرد اما به محض جدا شدن از این تیم، صفحه‌اش را پاک کرد!

بازی جدید آقای خاص!

چرا تلاش مورینیو در جدیدترین مصاحبه مطبوعاتی‌اش برای اثبات مغرور نبودنش، بی‌فایده است؟

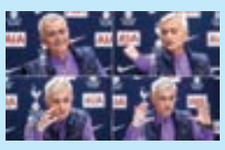

اولین مصاحبه مطبوعاتی مورینیو در قامت سرمربی جدید تاتنهام پنج‌شنبه هفته قبل برگزار شد. در این مصاحبه که ۴۵ دقیقه طول کشید، مورینیو تلاش داشت بگوید که او تغییر کرده و به نسبت گذشته نرم‌تر شده است و دیگر آن قدرها مغرور نیست اما واقعیت این است که زبان بدن او در این مصاحبه به ما اجازه نمی‌دهد که تمام ادعاهایش را باور کنیم. او مصاحبه‌اش را با لبخند آغاز کرد، ژست دوستانه او در آغاز مصاحبه هر چند نمایان بود اما بعد از گذشت زمان و طی مصاحبه دوباره همان ویژگی‌های معروف و شناخته شده او شروع به خودنمایی کردند؛ روحیه‌ای متغیر، چهره‌ای مصمم و کمی گرفته و البته طنزی که همه جا خوب نمی‌نشیند. البته توجه به جزئیات لبخندش نیز نشان می‌داد که این لبخند زدنش بیش از این که برآمده از حال درونی‌اش باشد، تلاش او برای نشان دادن چهره‌ای بشاش است. چه این که همزمان با تلاش بخشی از صورتش برای لبخند زدن، هنوز گوشه‌های لبش به سمت پایین بود و نشان می‌داد که نمی‌شود به این لبخند زدن چندان اعتماد کرد. او مانند سابق در زمان صحبت درباره تیم و برنامه‌هایش، صدایی مصمم و محکم داشت، با نگاهی قوی در خصوص انگیزه تیمش حرف زد و بنا به شواهد به نظر می‌رسید که توانسته از همین آغاز، ارتباط قابل قبولی با بازیکنان خود برقرار کند. در طول این مصاحبه، ژوزه تلاش دارد بگوید او آغازی دوباره در تاتنهام دارد اما با وجود همه لبخندها و تلاش او برای متفاوت نشان دادن خود، باز هم نشانه‌های زیادی در این مصاحبه وجود داشت که می‌گفت ما هنوز با همان ژوزه قدیمی طرف هستیم و این لبخندها احتمالا تنها یک بازی است و خب ژوزه هم که استاد بازی دادن و بازی کردن است!

منبع: dailymail.co.uk, telegraph.co.uk, ایسنا و ورزش، مجله ورزش و تصویر